

بررسی نقوش سفالینه‌های ساری در قرون چهار و پنج ه.ق

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۲

کد مقاله: ۵۹۵۵۸۱

رقیه اسدی^{۱*}، عاطفه فاضل نجف آبادی^۲

ابوالفضل عبداللهی فرد^۳

چکیده

سفال ایران علاوه بر کاربرد آن، امین‌ترین راوی از دیار کهن و تبلور فرهنگ و باور مردم به شمار می‌رود. یکی از مهم‌ترین و معروف‌ترین مراکز سفالگری در قرن‌های چهار و پنج ه.ق، ساری است که به سفال روستایی نیز شهرت دارد و از جنس خاک رس با پوششی از گلابه ساخته می‌شود. از لحاظ فرم اغلب آثار سفالی ساری به صورت بشقاب و کاسه می‌باشد که بیشتر نقش‌های آن را پرندگان تشکیل می‌دهند که با دیگر نقوش گیاهی و تجریدی همراه شده و به صورت طراحی نقوش رنگارنگ روی زمینه سفید نقشاندازی شده‌اند. هدف از این مقاله مطالعه نقوش روی سفالینه‌های ساری قرون ۴-۵ ه.ق در راستای پاسخ به این پرسش می‌باشد که سفال‌های ساری قرون ۴-۵ ه.ق از چه ویژگی‌های بصری برخوردار هستند و چه نقوش و نمادهایی روی این سفالینه‌ها به کار رفته است؟ روش تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی بوده و اطلاعات و داده‌های آن به شیوه کتابخانه‌ای و اینترنتی جمع‌آوری شده است. نتایج نشان می‌دهد پرنده بر روی سفال‌های ساری قرون ۴-۵ ه.ق به عنوان نقشی اصلی و محوری وجود داشته و نقش طوطی، خروس، هدهد، کبوتر و جوجه از پرکاربردترین نقوش بوده است و اغلب آن‌ها از رنگ سیاه، سفید و عسلی بهره‌مند هستند.

واژگان کلیدی: سفالگری، سفال ساری، نقش پرنده.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته هنراسلامی، گرایش سفال، دانشکده هنرهای صنعتی، دانشگاه هنراسلامی تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول) rogayye.asadi72@gmail.com

۲- استادیار، دانشکده هنرهای صنعتی، دانشگاه هنراسلامی تبریز، تبریز، ایران.

۳- دانشیار، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنراسلامی تبریز، تبریز، ایران.

سفالگری در منطقه مازندران از سابقه‌ای ده هزار ساله برخوردار است که از دوره پیش از تاریخ از غار هوتو گرفته تا تپه‌های طوق تپه، گوهر تپه، چماز تپه، قلعه کنگلو و سایر قلاع باستانی رواج و سبکی خاص داشته است. در تمدن‌های باستانی و در عصر هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان نیز آثار ارزنده و قابل توجهی در این سرزمین کشف شده و در عصر اسلامی این هنر سنتی به رشد و شکوفایی رسیده است. ساری به دلیل برخورداری از پیشینه تاریخی غنی از عصر سنگ تا به امروز هنر و فرهنگی ژرف را در درون خود جای داده است. یکی از معروف‌ترین و در عین حال چشم‌گیرترین دوره‌های سفال در ایران به خصوص در ناحیه مازندران، سفال ساری در قرون ۴ و ۵ ه.ق می‌باشد که از نظر نقش، رنگ لعاب‌ها و شیوه ساخت و تزئین منحصر به فرد بوده که این سفال‌ها به سفالینه‌های روستایی نیز شهرت دارند. از مشخصات بارز این سفال‌ها می‌توان به الهام از فرم و رنگ موجود در طبیعت اطراف سفالگر و بهره‌مندی از این نقوش به شکلی ساده و در نهایت اجرای آن بر روی سفال اشاره نمود که سبب بروز سبکی جدید در هنر سفالگری این منطقه شده است. هدف از پژوهش حاضر مطالعه سفالینه‌های برای حصول به پاسخ این پرسش است که چه نقوشی بر روی این سفالینه‌ها به کار رفته است. مطالعه این سفالینه‌ها به دستیابی به تاریخ ارزشمند این منطقه و نیز فرهنگ آن دوران کمک شایانی خواهد نمود و از این رو نیز این پژوهش ضروری می‌باشد.

۲- روش تحقیق

روش تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است. جامعه آماری این تحقیق شامل سفالینه‌های ساری متعلق به قرون ۴ و ۵ ه.ق به تعداد ۶۳ اثر بوده که ۱۵ اثر به صورت غیراحتمالی هدفمند از میان آثار برجای مانده انتخاب شده و به صورت کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۳- پیشینه تحقیق

از جمله پژوهش‌هایی که در راستای موضوع این تحقیق کار شده است می‌توان به مقاله «بازخوانی ویژگی‌های فرمی و ساختاری (طرح و رنگ) در سفالینه‌های روستایی ساری سده‌های ۴ و ۵ ه.ق» از میثم براری و دیگران اشاره کرد که نشان می‌دهد که در قرون ۴ و ۵ ه.ق. شاهد سبکی خاص در سفالگری منطقه، با عنوان سفالینه‌های رنگارنگ با لعاب گلی روی زمینه هسفید هستیم که محققین آن را سفال ساری می‌نامند و اغلب نقوش‌ها را به ترتیب پرندگان و سپس چهارپایان تشکیل داده‌اند. علاوه بر آن در مقاله دیگری با عنوان «بررسی نقش پرند در سفالینه‌های بخش اسلامی موزه رضا عباسی» از مهناز شایسته‌فر و گل‌سا غفاری، نقش پرند بر مبنای اصول هندسی و گرافیک مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و مفهوم و منشأ و کارکرد آن بر روی سفالینه‌های موجود در بخش اسلامی موزه رضا عباسی بررسی گردیده است. در مقاله «پرند و پرند انسان در سفال‌های لعابدار رقه» از زهرا قاسمی و مریم قاسمی، نشان داده شده که هنرمندان سفالگر در نمایش نقش پرند سه نوع نگاه ویژه را به کار گرفته‌اند؛ توجه به طبیعت و بازنمایی آن، نگاه نمادین و سمبلیک و ترکیب عناصر و موجودات با یکدیگر به همراه تکنیک‌های خاص ارائه، دستور زبان خاص سفال رقه را ایجاد کرده است. نیز در مقاله «ارزیابی نمادین نقوش جانوری سفال نیشابور (قرون سوم و چهارم هجری قمری)» از سحر چنگیز و رضا رضالو، ضمن تحلیل ساختاری هر نقش، مفهوم نمادین و تأثیرپذیری مستقیم از نقوش ماقبل اسلام، نیز شرح داده می‌شود. در نهایت در مقاله «بررسی نقوش جانوری سفالینه‌های کهن شهر گرگان (جرجان) در دوران اسلامی» از محمد مرتضایی و ندا صداقتی‌زاده، اشاره شده که کیفیت ترسیم و طراحی نقوش جانوری گرگان، در ابتدا ادامه برخی سنت‌های هنری ایران باستان بوده که با مضامین اسلامی پیوند خورده است. این امر خصوصاً در نوع پرداخت به جزئیات مشهود است. اما با گذشت زمان و نزدیک تر شدن به سده‌های میانی، این سنت‌های تصویری، دستخوش تغییرات محسوسی از بعد طراحی و نحوه تزئین شده است.

۴- سفال ساری در قرون چهار و پنج ه.ق

سفالینه ساری یکی از معروف‌ترین نمونه‌های سفالینه دوره اسلامی می‌باشد که با نام ظروف روستایی نیز شناخته می‌شود. این ظروف از زیبایی خاصی برخوردارند و از رنگ‌های متنوعی همچون سیاه، ارغوانی و قهوه‌ای تیره، زرد، اخراپی و... به صورت ورقه‌ای نازک بر روی زمینه لعاب مات و یا پوشش گلی زیر لعاب شفاف در تهیه و تزئین آن‌ها استفاده می‌کنند. نقوش گوناگون و اغلب شامل چهارپایان و پرندگان به‌ویژه کبوترها و گل‌های مسبک و دایره‌های توپر بوده و گاه توأم با خطوط کوفی تزئینی است که در اغلب موارد بدنه‌های داخلی و کف ظروف را دربر می‌گیرد. ساخت این نوع ظروف به قرون سوم تا پنجم هجری قمری برمی‌گردد. سفالینه‌های نوع ساری، سفالینه‌های روستایی یا سفالینه‌های مازندران به سفالینه‌هایی اطلاق می‌شود که در شهر ساری یا مناطق و

روستاهای اطراف آن از قرن سوم هجری قمری همزمان با دوره بازرایی و شکوفایی در سفالگری ایرانی شروع به نزج و شکل‌گیری نمود و تا قرن پنجم ه.ق بر اساس منابع مطالعاتی و حفاری باستان‌شناسی در دسترس به تولید آثار هنری متفاوت، خاص، درخور و متناسب با منطقه جغرافیایی همت گمارد. اطلاع دقیق از اینکه این سفالینه‌ها به طور یقین در کدام قسمت این منطقه ساخته و عرضه می‌شدند به دلیل پراکندگی آثار به دست آمده از حفاری‌های باستان‌شناسی از اطراف این شهر در دست نیست (براری، ۱۳۹۳: ۴۶). پراکندگی مراکز ساخت این نوع سفال‌ها را از اطراف شهر ساری به سمت شرق استان مازندران تا مرز استان گلستان می‌دانند. لازم به ذکر است که قرار گرفتن شهر تاریخی ساری بین دو قطب هنری دوران اولیه و میانه اسلامی در ایران یعنی جرجان و آمل (پایتخت طبرستان در این دوران) انتساب این آثار به این شهر را تشدید می‌نماید. با گسترش شکوفایی هنر و ادب ایرانی از سده سوم ه.ق سفالگری نیز هم‌پای سایر هنرها مراحل ترقی را پیمود. با تبادل تجاری و فرهنگی این آثار با سایر قطب‌های هنر اسلامی در این دوران از قبیل نیشابور، آمل، جرجان و ... تأثیر هر یک بر یکدیگر نمایان می‌باشد (براری، ۱۳۹۳: ۴۷).

۵- نقوش سفال ساری

شیوه ترسیم طرح‌ها و نقش‌ها در سفالینه‌های ساری در حقیقت ادامه سبک ساسانی در ایران و نزدیک به نگارگری همراه با قابلیت تغییراتی برای اعمال روی سفالینه‌ها می‌باشد. این سفالینه‌ها از نظر قالب نقوش به ۶ دسته طبقه‌بندی می‌گردد: پرندگان، چهارپایان، نقوش تجربیدی و برگرفته از طبیعت پیرامون، حیوانات اساطیری و افسانه‌ای و نقوش ماهی (براری، ۱۳۹۳: ۴۹).

چهارپایان: اغلب نقوش حیوانی به کار رفته بر روی ظروف سفالین ساری شامل گاو، اسب و بزکوهی می‌باشد که این نقوش نیز برگرفته از طبیعت پیرامون شرایط آیینی و فرهنگی و تجربه زیست مردم منطقه می‌باشد.

گاو: نقش گاو در تمدن‌های باستانی و در بین باورهای قومی و اساطیری نشانی از هرج و مرج و مادر همه آفریده‌هاست. از گذشته تاکنون، گاو همواره جایگاهی ویژه در نزد انسان‌ها داشته است چرا که علاوه بر اینکه اساس تغذیه به شمار می‌رفته در زندگی کشاورزی و زراعت گردونه‌کشی و بارکشی نیز یاور انسان‌ها بوده است. در ایران باستان شکلی از ایزد طوفان دارد که مولد باران است. «شاخ گاو ماده علامت رسالت عقل و علامت خورشید یا ماه است» (جایز، ۱۳۸۰: ۱۱۱).

اسب: اسب در میان اقوام باستانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و نقش مهمی در زندگی سلحشوران و ارتباط آن‌ها با اقوام دیگر داشته که نمونه بارز آن در شاهنامه فردوسی آمده است. اسب رستم و سیاوش که حکایت از رابطه عمیق انسان با این حیوان دارد.

بز کوهی: نقش بز کوهی در فرم‌های متنوع بر روی سفال‌های محوطه‌های مختلف قابل مشاهده است که نشان از اهمیت این نقش دارد. بزکوهی به عنوان نماد باران در سفال ایرانی ترسیم شده و در طرح‌های ارائه شده توسط ایرانیان نقش بزکوهی - حیوان ملی ایران - روح سادگی و دقت را به همگان القا می‌کند.

نقوش تجربیدی: احتمالاً نقوش تجربیدی از طبیعت با نمادهایی مرتبط با فرهنگ منطقه برگرفته شده و هنرمند این نقوش را پس از پروراندن در ذهن خود و ساده‌سازی با تکیه بر برداشت ذهنی و درونی خویش بر روی سفال اجرا کرده است.

نقوش گیاهی: گل‌ها و گیاهانی که به صورت نقش محوری سفالینه‌ها تصویر شده‌اند. این تزیینات گل‌های چندپر و بوته‌ها را شامل می‌شود که نمادی از علفزار و بوته‌زارهای شمال هستند و هنرمند سفالگر از آن به عنوان نقوش پُرکننده فضا برای پر کردن فضای منفی روی سفالینه بهره برده است.

حیوانات افسانه‌ای و اساطیری: از مشخصه سفالینه‌های ساری ردیابی مجموعه‌ای از اساطیر و افسانه‌های کهن است که در پی بردن یک سری از عقاید، تفکر و راه و رسم زندگی آن‌ها کمک شایانی می‌کند. نقوش اینگونه سفالینه‌ها اغلب از اساطیر ملی و داستان‌های کهن برگرفته شده و به سبب ریشه عمیقی که در فرهنگ ایرانی داشته‌اند پس از اسلام نیز معنای خود را حفظ کرده‌اند. یکی از این نقوش در سفالینه‌های ساری ماهی است.

ماهی: ماهی در تبرستان به دلیل نزدیکی به دریای خزر و اینکه بخشی از رزق و روزی مردم جلگه‌نشین را تأمین می‌نمود، از ارزش بالایی برخوردار است. چنانکه در اساطیر ایران، جمشید پادشاه پیشدادی، روش اهلی کردن ماهی را آموخت و با توجه به اینکه پیشدادیان به روایت شاهنامه فردوسی بر تبرستان قدیم حکومت می‌کردند، می‌تواند نزد مردمان این سرزمین پر اهمیت باشد. ماهی در سفالینه تبرستان در فضای بین دو شاخ بزکوهی و به صورت مسبک و با نقطه‌های سفید نقش شده است.

جدول ۱: بررسی نقوش روی سفال ساری. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	تصویر	نام نقش	توضیح
۱		گل پیچکی	نقش مایه پیچک در نگاه اول شاخ قوچ را تداعی می‌کند. ولی بیشتر به عنوان یک نقش گیاهی استفاده می‌شود و به عنوان نقش مکمل در فضای بین درختان در سفال ساری می‌باشد.
۲		ترنج، حوض	این نقش مایه هم گراداگرد نقوش محوری به عنوان نقش مکمل به کار می‌رود هم در مرکز ظرف تداعی کننده چشمه آب است.
۳		نقش تجریدی ^۱ تپه، کوه	این نقش به عنوان تپه و کوه‌های اطراف می‌باشد و به عنوان نقش پرکننده در اطراف نقش محوری تصویر شده است.
۴		گل	این نقش مایه گیاهی تداعی کننده گل می‌باشد و به عنوان نقش مکمل در کنار نقوش اصلی به کار می‌رود.
۵		طوق	این نقش بر گردن پرندگان سفالینه های ساری آویزان می‌باشد.
۶		درخت	این نقش تداعی کننده درختی است که گل و بوته از شاخسار آن آویزان شده‌اند و نقش مکمل در کنار نقش محوری دارد.
۷		ماهی	نقش ماهی در بین شاخ بز کوهی نقش شده و خاص سفال تیپ ساری است.
۸		نقش تجریدی ^۲	این نقش مایه به صورت مسبک و پیچیده است. می‌تواند تداعی کننده یک کرم خاکی باشد.
۹		گل چندپر مشکی	این نقش مایه به عنوان پرکننده در اطراف نقش اصلی و محوری به همراه بوته است.
۱۰		بوته	این نقش به عنوان پر کننده و تداعی کننده گل‌های رونده در اطراف درختان و به عنوان گل‌های اصلی در دشت پر از گل است.
۱۱		گل و بوته	نقش مایه گل و بوته برگرفته از طبیعت بکر و زیبای منطقه مازندران می‌باشد.
۱۲		گل بابونه	گل بابونه به عنوان نقش پرکننده است که در اطراف نقش اصلی همراه با بوته می‌باشد.

پرنده: غالب نقوش‌های به کار رفته روی سفالینه‌ها را پرندگان اعم از هدهد (شانه به سر، مرغ سلیمان)، کبوتر، طاووس، خروس، کلاغ و دارکوب که بر روی سطح وسیعی از آثار سفالی نقش بسته‌اند، تشکیل می‌دهند. به لحاظ ترکیب‌بندی این نقوش عموماً در وسط کادر بوده و گاهی به صورت تک‌نقش بوده و اغلب نقوش تجریدی یا برگرفته از طبیعت به صورت مکمل آن توسط هنرمند در نظر گرفته شده است. نقوش پرنده به صورت ساده ایرانی و نزدیک به طرح‌های نگارگری نقش شده و شیوه ترسیم پرندگان را می‌توان ادامه سبک ساسانی دانست. این پرندگان به صورت مسبک و نکته نکته سفید تزیین شده‌اند. به دلیل اهمیت نقش پرنده در موضوع این تحقیق در ادامه به صورت مبسوط نقش مذکور مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.

طاووس: نقش طاووس به سبب ارتباط با جنبه اعتقادی مردم و نمادی از خوش‌یمنی، در بسیاری از آثار هنری اقوام مختلف دنیا و به‌ویژه در ایران مشاهده می‌شود. «معنای سمبلیک این حیوان به معنی تزیینات، تجمل، تکبر، شکوه، خودبینی، رستاخیز، زندگی توأم با عشق، زندگی درباری، زیبایی، سلطنت، شأن و مقام، شهرت، غرور دنیوی، فناپذیری مورد ستایش همگان است» (هرمان، ۱۳۷۳: ۱۵۴).

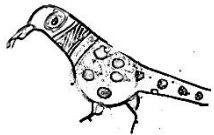
هدهده: پرنده‌ای که در بسیاری از افسانه‌ها نقش قاصد را بر عهده دارد: «مرغی کاکل‌دار که او را شانه به سر و پوپو گویند و به عربی هدهد خوانند» (خرمشاهی، ۱۳۷۴: ۹۳۰). این پرنده در نزد مسلمانان جایگاه خاصی دارد و یکی از ده حیوان بهشتی به‌شمار می‌رود. در قرآن این پرنده قاصد نبی (مرغ سلیمان) معرفی شده است (شمیسا، ۱۳۸۶: ۳۸۸). هدهده، راهنمای عاقل، پارسا و نماد الهام شخصی و درونی است.

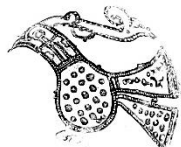
کیوتر: کیوتر نماد بهار، عشق، سادگی، صلح، امید، هماهنگی و خوشبختی است. کیوتر را نشانه گوهر زوال‌ناپذیری و روح و به جهت زیبایی، سفیدی و آهنگ خوش آن، استعاره از زن دانسته‌اند (شوالیه و گریبان، ۱۳۸۵: ۵۴۲). کیوتر رمز روح، آرامش و احساس‌های معنوی است.

کلاغ: کلاغ در باورهای قومی و اساطیری ایران از جایگاه خاصی برخوردار است: «ورغن، کلاغ اساطیری ایران به معنای پیک خورشید و نشانه قوه وجودی سرعت، نیرومندی و یکی از تجلیات وَرَثَرِغَنَه به‌شمار می‌رفت» (بختیاری‌منش، ۱۳۸۷: ۳۵).

خروس: خروس در اوستا «پردرشن» و در پهلوی «پینش داشکشک» به معنی نشان دهنده نخستین است. خروس در سپیده‌دم فجر را نوید می‌دهد و دیو ظلمات را می‌راند و مردم را به برخاستن و عبادت و کشت و کار فرا می‌خواند. سروش فرشته شب زنده‌دار او را گماشته تا بامدادان بانگ بردارد و مردم را به ستایش خداوند فرا بخواند. (شوالیه، ۱۳۸۲: ۹۵).

جدول ۲: نقوش پرنده سفالینه‌های ساری. مأخذ: نگارندگان.

تصویر	طرح خطی	نقش	ظرف	ابعاد	رنگ
 (شایسته‌فر، ۱۳۸۷: ۲۷)		طاووس	کاسه	ارتفاع ۷/۷۵ س.م، قطر دهانه ۱۹ س.م	سبز، قهوه‌ای، ارغوانی و سیاه
 (Fehrevvari, 2000: 59)		خروس	کاسه	ارتفاع ۷ س.م، قطر دهانه ۲۴ س.م	عسلی، قرمز، قهوه‌ای، سفید و سیاه
 (براری، ۱۳۹۳: ۱۱۵)		کیوتر	کاسه	ارتفاع ۷/۷ س.م، قطر دهانه ۱۹/۲ س.م	عسلی، قرمز، قهوه‌ای، سفید و سیاه
 (کیانی، ۱۳۸۰: ۱۸۷)		خروس	کاسه	ارتفاع ۹ س.م، قطر دهانه ۲۴ س.م	عسلی، سبز، قرمز، قهوه‌ای، سفید و سیاه
 (براری، ۱۳۹۳: ۱۰۸)		خروس	کاسه	ارتفاع ۱۰/۶ س.م، قطر دهانه ۲۹/۵ س.م	عسلی، قرمز، قهوه‌ای، سفید و سیاه
 (موزه مردم‌شناسی بابل)		خروس	کاسه	ارتفاع ۹/۸ س.م، قطر دهانه ۳۳/۲ س.م	سبز زیتونی، قهوه‌ای و سیاه

تصویر	طرح خطی	نقش	ظرف	ابعاد	رنگ
 (براری، ۱۳۹۳: ۱۰۳)		هدهد	کاسه	ارتفاع ۷/۹ س.م، قطر دهانه ۳۰ س.م	سبز زیتونی، قرمز، سبز، سفید و سیاه
 (موزه هنرهای ملی ایران)		هدهد	کاسه	ارتفاع ۹ س.م، قطر دهانه ۲۴ س.م	عسلی، قرمز، سفید و سیاه
 (موزه رضا عباسی)		خروس	کاسه	ارتفاع ۸/۴ س.م	عسلی، قرمز، سفید و سیاه
 (کیانی و کریمی، ۱۳۶۴: ۱۱۹)		هدهد	کاسه	ارتفاع ۷/۵ س.م، قطر دهانه ۱۹ س.م	عسلی، قرمز، سفید و سیاه
 (Manners, 1997: 65)		کبوتر	کاسه	ارتفاع ۴/۵ س.م، قطر دهانه ۲۰/۵ س.م	عسلی، قرمز، سفید و سیاه
 (گرویه، ۱۳۸۴: ۱۰۰)		هدهد	بشقاب	ارتفاع ۹ س.م، قطر دهانه ۳۸/۱ س.م	عسلی، قرمز، سفید و سیاه
 (براری، ۱۳۹۳: ۹۱)		طاووس	کاسه	ارتفاع ۸/۹ س.م، حداکثر قطر ۱۶/۵ س.م	عسلی، قهوه‌ای، سفید و سیاه
 (براری، ۱۳۹۳: ۹۰)		هدهد	کاسه	ارتفاع ۹/۵ س.م، حداکثر قطر ۲۲/۹ س.م	عسلی، قهوه‌ای، سفید و سیاه
 (ناصر خلیلی، ۱۳۸۴: ۹۴)		جوجه	کاسه	ارتفاع ۱۰/۵ س.م، قطر دهانه ۲۳/۷ س.م	زرد، سیاه و سفید

۶- نتیجه گیری

سفالینه‌های ساری در قرون چهارم و پنجم هجری قمری دارای سبکی خاص و منحصر به فرد در ایران و جهان با نام سفالینه‌های رنگارنگ با لعاب گلی روی زمینه سفید هستند. این سفال‌ها به سفال روستایی معروف بوده و می‌توان با گمانه‌زنی دو دلیل برای نامیدن آن در نظر گرفت. امکان دارد این سفالینه‌ها در شهر ساری و یا روستاهای اطراف تولید شده باشند و یا اینکه آمل در این زمان مرکز تبرستان تولید کننده‌ی شهری محسوب می‌شده و شهر ساری به عنوان یکی از شهرهای بزرگ این منطقه با توجه به رنگ‌ها و طرح‌های به کار رفته و کوره‌های پخت سفال در روستاهای اطراف ساری به خصوص شرق تبرستان بدین نام معروف شده است. نقوش سفالینه‌های ساری قرون چهارم تا پنجم هجری قمری مطابق نوع پوشش گیاهی، فرهنگ آداب و رسوم و توتّم مردم این سرزمین بوده و وجود پرندگان بر روی این سفالینه‌ها زیبایی آن را دوچندان کرده است. نقش پرنده از دیرباز تا کنون به عنوان عنصری نمادین و بالارزش در آثار هنری جایگاه ویژه‌ای داشته است. باید اذعان نمود نقش پرنده به عنوان عنصر اصلی و سایر نقوش اعم از نقوش تجریدی و گیاهی به عنوان نقوش مکمل و پرکننده فضا و ترکیب‌بندی بر روس سفالینه‌های ساری حضور دارند. استفاده از رنگ‌های متنوع که متناسب با تجربه زیست هنرمند سفالگر شکل گرفته به ترتیب شامل رنگ‌های سیاه، عسلی، سفید در مقیاس زیاد و رنگ‌های قرمز، ارغوانی، قهوه‌ای، قرمز، زرد، سبز و سبز زیتونی می‌باشند. سفال ساری در قرون مذکور جزو سفالینه‌های بدنه رسی از نوع رس قرمز بوده که سفالگر تبرستانی با پوششی از انگوب از جنس خود بدنه، زمینه را برای هر چه بهتر طراحی کردن آماده کرده است.

منابع

۱. بختیاری‌منش، فلورا، (۱۳۸۷)، «بررسی نقش پرنده در هنر بین‌النهرین، ایران و مصر باستان»، فصلنامه هنر، ش ۱. صص ۳۳-۸۴.
۲. براری، میثم، (۱۳۹۳)، «سفال ساری قرون سه تا پنج هجری قمری»، اصفهان: نشر گلدسته.
۳. ج. گروبه، ارنست، (۱۳۸۴)، «سفال اسلامی (مجموعه ناصر خلیلی)» ترجمه فرناز حائری، تهران: نشر کارنگ.
۴. جابز، گرترودف (۱۳۷۰)، «سمبل‌ها»، ترجمه محمدرضا بقاپور، تهران: انتشارات فکر روز.
۵. خرمشاهی، بهاء‌الدین، (۱۳۷۴)، «ترجمه قرآن کریم»، تهران: انتشارات جامی.
۶. شمیس، سیروس، (۱۳۸۶)، «فرهنگ تلمیحات»، تهران: انتشارات میترا.
۷. شوالیه، ژان و گربران، آلن، (۱۳۸۵)، «فرهنگ نمادها»، ترجمه سودابه فضایی، تهران: نشر جیحون.
۸. کریمی، فاطمه و کیانی، محمد یوسف، (۱۳۶۴)، «هنر سفالگری دوران اسلامی»، تهران: مرکز باستان‌شناسی ایران.
۹. کیانی، محمد یوسف، (۱۳۷۹)، «پیشینه سفال و سفالگری در ایران»، تهران: انتشارات نسیم دانش.
۱۰. هرمان، جوجینا، (۱۳۷۳)، «تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان»، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران: نشر دانشگاهی.
11. Fehervari, geza, (2000), "Ceramics of the Islamic world", London: I.B.Tauris.
12. Manners, Errol, (1997), "Ceramics source book", Landon: Grsnge book.

